اثر پروانه‌ای یک قانون بد

چگونه قانونی بد در تهران سال‌های ۱۳۷۰ فاجعه‌ای انسانی در آبادان ۱۴۰۱ آفرید؟

روح‌الله مجتهدزاده: اثر پروانه‌ای نام قانونی در نظریه آشوب است و به این اشاره می‌کند که تغییری کوچک در سامانه‌ای چون جو کره زمین (مثلا بال‌زدن پروانه‌ای در یک نقطه از زمین) چگونه می‌تواند باعث تغییرات شدید (مثلا وقوع توفانی بزرگ در فرسنگ‌ها دورتر) شود. از این منظر فاجعه انسانی-عمرانی‌ای که در آبادان رخ داد را می‌توان اثر پروانه‌ای قانونی دانست که به قانون «فروش تراکم» یا تراکم‌فروشی مشهور است و نخستین بار در تهران سال‌های ۱۳۷۰ و به ابتکار شهرداریِ تحت مدیریت غلامحسین کرباسچی وضع شد.

در ادبیات شهرسازی به نسبت زیربنای سرپوشیده کل طبقات و ساختمان‌های موجود در یک قطعه زمین (زیربنای ناخالص) به مساحت آن قطعه زمین، تراکم می‌گویند. مثلا تراکم ساختمانی دو (یا ۲۰۰ درصد) نشان‌دهنده آن است که مساحت زیربنای کل ساختمان‌های موجود در یک قطعه زمین، دو برابر مساحت آن است. میزان تراکم مجاز در قطعات زمین براساس عواملی چون خط آسمان (سهم آسمان)، عرض معبر، کیفیت و کمیت زیرساخت‌ها و الگوهای توسعه شهری در طرح‌های جامع و تفصیلی شهری، که در ایران وزارت راه و شهرسازی متولی آن است، تعیین می‌شود و تقریبا در تمام دنیا، به‌عنوان یکی از قوانین پایه شهرسازی و در جهت توسعه هماهنگ و پایدار شهر، لازم‌الاجرا و تخلف‌ناپذیر تلقی می‌شود. در ایران نیز تا اواخر دهه ۶۰ خورشیدی تراکم شهری، برمبنای حدود تعیین‌شده در طرح‌های جامع و تفصیلی، تعیین و اعمال می‌شد اما از این زمان اوضاع کمی تغییر کرد.

از سال‌های آغازین جنگ تحمیلی و با ناتوانی دولت در تأمین بودجه شهرداری‌ها روندی در اداره نهاد شهرداری شکل گرفت که به خودگردانی مشهور است. خودگردانی، به زبان ساه، به این معناست که شهرداری برای تأمین هزینه‌های خود نباید چشمی به دست دولت داشته باشد و خود از راه‌هایی که قانون پیش‌روی او نهاده یا به تصویب نهادهای قانونی رسانده هزینه‌های خود و بعضا خاصه‌خرجی‌های بخش‌هایی از نهادهای دولتی و شبه‌دولتی را تأمین کند. هرچند خودگردانی از اساس پدیده‌ای مثبت است، اما مشکل آنجایی رخ داد که به تعبیر حسین عبده‌تبریزی در ایران به شکل نادرست و در مسیر بیراهه مورد عمل و استفاده مدیریت شهری قرار گرفت، به‌طوری‌که برخلاف شهرداری‌های موفق جهان، در تهران برای تأمین مالی جهت پوشش هزینه‌های شهر، راه‌های اصلی و مورد وثوق کارشناسان و نظریه‌پردازان شهری و اقتصادی کنار گذاشته شد و منابع از «بیراهه» فروش تراکم و اجازه تخریب زودرسِ ساختمان‌های کم‌تراکم به دست آمد. این پدیده، که برخی چون زنده‌یاد باقر آیت‌الله‌زاده‌شیرازی از بنیان‌گذاران سازمان میراث فرهنگی ایران، از همان ابتدا آن را «اقدامی جنایتکارانه» می‌خواندند، علاوه بر ضایع‌کردن بسیاری از حقوق عامه مردم چون حق منظر، سهم آسمان، سهم سرانه و نظایر آن به جولان طبقه‌ای به نام بسازبفروش در حوزه مدیریت شهری انجامید، طبقه‌ای که گناه نابخشودنی عضوی از ایشان در فاجعه آبادان اظهر من‌الشمس است، اما در عین حال انداختن تمام تقصیر به گردن ایشان و فراموشی نقش مدیران و نظام مدیریت شهری در این میان هم خود گناه نابخشودنی دیگر است.

بسازبفروشی قدمت دیرینه در تاریخ ساختمان دارد، اما شکل مدرن آن در ایران تقریبا از سال‌های ۱۳۳۰ به بعد شکل گرفت. ویژگی بارز بسازبفروشی در این دوره آن است که بسازبفروش‌ها، عمدتا، نه از میان مهندسان ساختمان و سایر اصناف وابسته به آن که از میان بازاریان، سرمایه‌داران و طبقات دارای رانت‌های حکومتی و البته این اواخر پزشکان (!) برخاستند. این امر از همان ابتدا به نزاعی ناخواسته میان مهندسان و بسازبفروشان انجامید تا آنجا که وارطان هوانسیان، از بنیان‌گذاران معماری مدرن ایران، در سال ۱۳۴۰ در مقاله‌ای در مجله معماری نوین بسازبفروشی را سبکی بی پدر و مادر خواند که کارهای ساختمانی را از لحاظ کیفیت به مسیری نامعلوم و نامشخص کشانده است. با این وصف از آنجا که سرمایه همواره یکی از ارکان اصلی صنعت و بازار ساختمان بوده، حذف بسازبفروش‌ها از صنعت ساختمان ناممکن بود و ساختمان‌سازی معاصر بر تعادل شکننده‌ای میان خواسته‌های این مایه‌داران فاقد تخصص از یک سو و متخصصان فاقد سرمایه از سوی دیگر تشکل یافت. آنچه این تعادل شکننده را حفظ می‌کرد قوانینی بود که معمولا مهندسان در تدوین آن نقش اول را داشتند، هرچند از تأثیر لابی بسازبفروش‌ها نیز در امان نبود. یکی از مهم‌ترین حافظان اجرای این قوانین نیز شهرداری‌ها بودند و برای دورزدن یا نادیده‌گرفتن قوانین هم مجازات‌های تقنینی سختی در نظر گرفته شده بود.

• عکس: مرتضی یاقوتی، باشگاه خبرنگاران جوان

در بستر شکننده‌ای که توصیف شد، قانون فروش تراکم درواقع به‌مثابه بال‌زدن پروانه‌ای بود که تأثیرات دومینویی آن به برپاکردن توفان عظیمی در شهرسازی معاصر ما انجامید. اولین تأثیر آن فروریختن قبح قانون‌شکنی و طرح‌کردن ایده خرید و فروش قانون در حوزه شهرسازی بود. در واقع همه آنچه طی سال‌ها برای مهار ولع سیری‌ناپذیر بازار در حوزه شهرسازی رشته شده بود با وضع این قاعده نابهنجار پنبه شد و سرمایه‌داری نصفه‌نیمه‌ای که در بازار ساختمان شکل گرفته بود به جریانی سوداگرانه بدل شد که تا همین امروز هم حرف اول و آخر را در بسیاری از امور مربوط به ساخت‌وساز در کشورمان می‌زند. این جریان در همه جای ایران کمابیش مصداق دارد اما در مورد عجیب خوزستان از هرجای دیگر عریان‌تر و شدیدتر است. دوستانی که ارتباط نزدیکی با شهرداری خوزستان دارند تعریف می‌کنند که خیلی مرسوم است در آخر هر سال معاونین شهرسازی شهرداری، برای تأمین هزینه‌های جاری و پاداش و سنوات آخر سال، با اصرار به دنبال بسازبفروش‌ها بیفتند و از آنها بخواهند با واریز مقداری پول -از چند صد میلیون تا چند ده میلیارد- به‌عنوان عوارض علی‌الحساب پروانه‌ای نان و آب‌دار برای سال بعد کسب کنند. در همین راستا شهرداری قوانینی را در شورای شهر اهواز در سال‌های اخیر به تصویب رسانده که براساس آن مشاعات یک ساختمان جزء تراکم آن محسوب نمی‌شود و بر این مبنا کسانی گاه چهار تا شش طبقه بیش از تراکم مجاز یک منطقه -که خود این تراکم مجاز هم معمولا سه تا چهار طبقه بیش از تراکم قانونی است!- مجوز ساخت دریافت کرده‌اند.

برای خدمتی بیشتر از سال‌ها قبل رویه‌ای در شهرداری اهواز و بعد سایر شهرهای استان، بنیان نهاده شد که بر مبنای آن کارهای گروه دال، یعنی کارهای ساختمانی ۱۰طبقه و بالاتر یا کارهای دارای زیربنای پنج هزار مترمربع و بیشتر، بدون آنکه نیاز به تأیید نظام مهندسی ساختمان استان داشته باشد، می‌تواند توسط یک شرکت مهندسی مشاور، اعم از استانی یا خارج از استان، تهیه و با تأیید شهرداری پروانه ساخت را دریافت کند. این قانون که کمابیش حمایت مدیران دولتی استان، اعم از استانداری و مسکن و شهرسازی را نیز با خود داشته، ظاهرا با هدف تسهیل فرایند ساخت و سرمایه‌گذاری در حوزه ساختمان تدوین شد اما خروجی نهایی آن دورزدن نظام مهندسی ساختمان، به عنوان تنها نهاد صنفی مهندسان در فرایند ساخت‌وساز بوده است و ساختمان عبدالباقی یکی از صدها نتایج چنین فرایندی است. هرچند گویا از مقطعی به بعد در فرایند ساخت این بنا و با اصرار مسئولان نظام مهندسی استان ناظرانی از سوی سازمان نظام مهندسی آبادان به نظارت پرداختند، اما براساس شواهد موجود گزارش‌های همین ناظران نیز هرگز جدی گرفته نشده و در یک مورد پنج روز پس از گزارش ناظری که دستور توقیف کار را داده، سرپرست معاونت سرمایه‌گذاری و مشارکت‌های اقتصادی شهرداری آبادان در نامه‌ای خطاب به «سرمایه‌گذار محترم پروژه!» دستور رفع توقیف می‌دهد. جالب است که این دستور را نه بخش‌های فنی شهرداری که معاونت سرمایه‌گذاری صادر می‌کند و جالب‌تر آن است که در این نامه رسمی از عنوان «مجتمع تجاری متروپل» استفاده شده حال آنکه «قانون ممنوعیت به‌کارگیری اسامی، عناوین و اصطلاحات بیگانه» نه تنها چنین نام‌گذاری‌هایی را منع می‌کند بلکه آیین‌نامه اجرائی آن صراحتا مسئولین نهادهای مختلف، از جمله شهرداری‌ها، را از به‌کاربردن چنین واژگانی در مکاتبات رسمی بر حذر می‌دارد، اما به نظر می‌رسد سوداگری ساختمان تغییر و درواقع خرید و فروش، هر قانونی را مجاز می‌کند. محدودیت این یادداشت اجازه نمی‌دهد به تبعات بزرگ و کوچک دیگر قانون فروش تراکم بپردازم، اما امیدوارم همین مختصر هم توانسته باشد نشان دهد قانون‌گریزی، ولو کوچک و با نیت خیر، چگونه می‌تواند در طول زمان به فجایعی بزرگ و جبران‌ناپذیر ختم شود. یکی از دوستان شهرساز خوش‌نام و فرهیخته خوزستانی، ساعاتی پس از فاجعه متروپل از صدها ساختمان مشابهی سخن گفت که در اهواز و شهرهای خوزستان برپا شده و برخی بدون پایان کار مشغول فعالیت‌اند! درواقع از صدها بمب ساعتی! صادقانه امیدوارم این بمب‌های ساعتی هرگز عمل نکنند و ساختمان متروپل آبادان هشداری باشد تا بیش از آنکه دیرتر شود جلوی ضرر را بگیریم.

*** استادیار گروه معماری دانشگاه شهید چمران اهواز، عضو سازمان نظام مهندسی خوزستان**

• دستور رفع توقیف با امضای سرپرست معاونت سرمایه‌گذاری و مشارکت‌های اقتصادی شهرداری آبادان!- ۹۹/۱۱/۴

ریزش برج آبادان حادثه است یا فاجعه؟!

از منظر قانون مقصران متروپل چه کسانی هستند؟

مجید قاسم‌کردی/ کارشناس حقوقی: خبری تلخ و جانکاه از ریزش ساختمانی ۱۰طبقه در آبادان و فوت شهروندان مظلوم بار دیگر کام ملت ایران را از سوءمدیریت و ناکارآمدی مسئولان در خرداد ماه تلخ کرد، خبری که به سرعت در فضای رسانه‌ای داخلی و خارجی بازتاب گسترده‌ای پیدا کرد و علت اصلی آن بعد از اظهارنظر نظام مهندسی و دادستانی محل وقوع حادثه تخلفات ساختمانی و عدم التزام به قواعد فنی و مقررات اعلام شده است.

انسان‌ها گاهی با بی‌توجهی و انجام‌ندادن وظایف خود یعنی ترک فعل، موجب ضرر و زیان به دیگران و بروز خسارت می‌شوند. اعلام عدم رعایت نکات فنی در رسانه‌ها این فرضیه را قطعی می‌کند که اشخاصی مرتکب ترک فعل شده‌اند چراکه تخلفات ساختمانی در اجرای عملیات عمرانی، عدم رعایت استانداردهای فنی و تخصصی در ساختن چنین برجی منجر به ریزش ساختمان تجاری شده است که این‌گونه نمی‌توان آن را یک حادثه فرض کرد بلکه منطبق بر مقررات کیفری، یک جنایت و ترک فعل محرز اتفاق افتاده است.

حال پرسش اینجاست چه کسانی می‌بایست با افعال خود مانع از این کار می‌شدند؟ قانون به خوبی تکلیف را مشخص کرده است، مواد ۲۱ و ۲۲ و ۲۳ قانون شهرداری ناظران را مکلف می‌کند، عملیات اجرائی تمامی ساختمان‌های مشمول ماده ۴ قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان را تحت نظر داشته باشند، از لحاظ انطباق ساختمان با مشخصات مندرج در پروانه و نقشه‌ها و محاسبات فنی ضمیمه آن نظارت کنند و در پایان کار مطابقت عملیات اجرائی ساختمان را با مدارک فوق گواهی کنند و از سوی دیگر تبصره ۱ ماده ۳۱ نظام مهندسی نیز مجری را مکلف کرده است شناسه فنی و ملکی را به ترتیبی که وزارت مسکن و شهرسازی تعیین می‌کند و گواهی ناظر موضوع ماده ۲۲ این آیین‌نامه را در اختیار سازمان نظام مهندسی استان و شهرداری قرار دهد و همچنین ماده ۳۵ نیز مقرر می‌کند شهرداری‌ها و سایر مراجع صدور پروانه ساختمان شناسنامه فنی و ملکی ساختمان را از متقاضی مطالبه و آن‌گاه گواهی پایان کار را بر اساس آن صادر کند.

تا اینجا تکلیف مشخص شد؛ مجری و ناظران این پروژه تجاری از یک سو و همچنین شهرداری معطی پروانه ساخت و پایان کار به عنوان اشخاص حقیقی یا حقوقی در مقام سازنده، ناظر و متخصصان امر بر اجرای ساختمان عملیات عمرانی از صفر تا صد می‌بایست نظارت داشته باشند. به موجب مقررات سازمان نظام مهندسی و شهرداری و همچنین کمیسیون‌های ماده ۵۵ و ۱۰۰ این دو مرجع به عنوان مراجع ناظر بر هر شکل عملیات عمرانی در محدوده شهری مکلفند از ابتدایی‌ترین عملیات عمرانی تا آخرین مرحله بر تمام جزئیات احداث بنا نظارت تخصصی داشته باشند. از این رو مسئولیت سازمان نظام مهندسی و شهرداری آبادان در فاجعه متروپل از باب صدور پروانه و نظارت بر اجرای آن در دوره ساخت و همچنین مسئولیت مجری امری مبرهن و مشخص است.

حال با بررسی مواد قانونی و مقررات مرتبط، محرز است که این ساختمان برای اخذ پایان کار و پیش از آن برای احداث و شروع عملیات عمرانی می‌بایست تمامی این مراحل قانونی را گذرانده باشد و در صورت تخلف می‌بایست اصلاح و تغییر و در صورت عدم تمکن تخریب صورت گرفته و منجر به صدور پایان کار نمی‌شد. اشخاص و متولیان مرتبط با پروژه با هر وابستگی سیاسی و ارتباطی علیرغم اطلاع از مشکلات فنی و تخصصی پروژه در انجام وظایف قانونی خویش مرتکب ترک فعل شده‌اند که خود سبب اصلی این حادثه دردناک شده است. هرچند اظهار نظر فنی و تخصصی نیازمند بررسی کارشناسان خبره است اما در صورت احراز مسئول اصلی وقوع حادثه بنا به قاعده تسبیب مرتکب جنایت شده و مستحق کیفر و مجازات مصرح در قانون مجازات اسلامی است و همچنین به جهت رابطه سببیت و علیت در حقوق کیفری اشخاص موصوف واجد مسئولیت کیفری-مدنی خواهند بود.

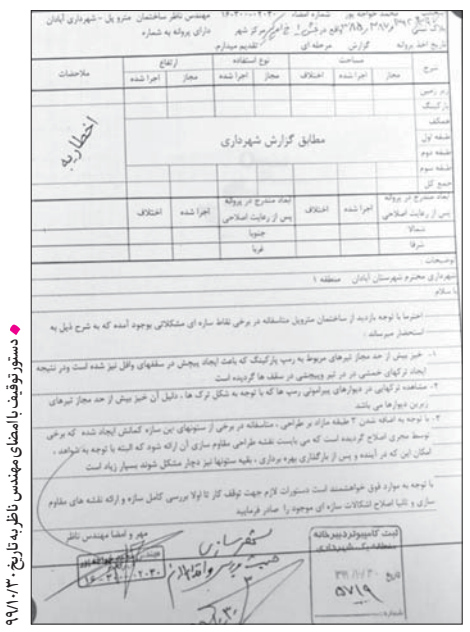

• دستور توقیف با امضای مهندس ناظر به تاریخ ۹۹/۱۰/۳۰

ادامه از صفحه اول

نتیجه خود را به ندیدن زدن خراب‌شدن آوار بر سر مردم است

اگر برخورد قاطعی نشود، خطاکاران، خلافکاران و همدستانشان در دستگاه‌های مختلف جسورتر از گذشته ادامه می‌دهند. تکرار می‌کنم نتیجه خود را به ندیدن و نشنیدن زدن آواری است که روی سر مردم بی‌گناه و بی‌دفاع خراب می‌شود. خطیب نمازجمعه شهر امید با اشاره به ترور شهید صیاد خدایی به دست صهیونیست‌ها گفت: این اقدامات نشانه درماندگی رژیم اشغالگری است که در عرصه بین‌المللی حرفش خریدار ندارد. خشونت، نشانه استیصال و بن‌بست است. سکوت مجامع بین‌المللی مدعی حقوق بشر هم در کنار این ترور محکوم است. هرگاه در مذاکرات بین‌المللی ایران به موفقیت نزدیک می‌شود، اسرائیلی‌ها دست به ترور و خرابکاری می‌زنند.

حجت‌الاسلام منصف در پایان با اشاره به گرانی‌های اخیر و لزوم همراهی و همدلی بیشتر با مردم و اطلاع‌رسانی دقیق و صادقانه تأکید کرد: در کنار جراحی اقتصادی، قلب‌ها و مغزهای زیادی هستند که نیاز به درمان و جراحی دارند. مغزهایی که در این شرایط به جای زدن حرف‌های معقول و سنجیده و اتخاذ تصمیمات عاقلانه، با حرف‌های مأیوس‌کننده و نامربوط و تصمیمات یک‌شبه و بی‌پشتوانه جامعه را عاصی، عصبانی و سرخورده می‌کنند و دل‌های بیماری که در شرایط سخت اقتصادی به جای ایجاد همدلی و هم‌گرایی، به دوقطبی‌های مخرب و بی‌حاصل دامن می‌زنند. لازم است اقدامی عاجل و قاطع برای درمان این مغزها و قلب‌های مریض کرد.

از خداوند بزرگ توفیق‌مان در خدمتگزاری به این مردم صبور و نجیب و همچنین خدمتگزاری واقعی به آزادی، حقیقت و عدالت را خواستارم.

خودم و شما را به مدارا، رحم، مروت و انصاف با یکدیگر توصیه می‌کنم.

خشت اول متروپل‌ها

اعتراضات دامنه‌دار مردم آبادان و همدردی مردم سایر شهرهای کشور با آنها به علت فروریختن متروپل نشان از سست‌شدن پیوندهای مردم با مسئولان و عمیق‌ترشدن شکاف دارد. واکنش‌های تند مردم به این حادثه غمبار را می‌توان ناشی از بی‌اعتمادی گسترده مردم به مسئولان و نارضایتی‌شان از وضع عمومی تفسیر کرد. زمانی که مردم از بهبود زندگی‌شان ناامید باشند یا برای تغییر وضع خودشان چشم‌انداز روشنی نداشته باشند، زمینه برای اعتراض و بیان نارضایتی آنها مساعد می‌شود. در آوارشدن متروپل موضوع این است که مردم آن را یک حادثه مانند هرجای دیگر دنیا نمی‌بینند.

حادثه متروپل می‌گوید حال مردم ایران خوب نیست. متروپل نشان داد باید هرچه زودتر آواربرداری‌های دیگری انجام شود. آواربرداری از همه تصمیم‌ها و اقدامات نادرست در عرصه سیاست، اقتصاد، فرهنگ و جامعه همراه با عذرخواهی بابت همه خشت‌هایی که کج بنا شده است.

دولت‌های چپ‌ستیز و راست‌گریز

یوسف اباذری در گفت‌وگویی انتقادی از وضعیت موجود در سال‌های پیش چنین گفت: «در منطق بازار برخی می‌برند و برخی می‌بازند، اما از نظر هایک بازندگان حق اعتراض ندارند. اگر چنین کنند، کاری کرده‌اند بیهوده حتی مخل؛ زیرا نظم خودانگیخته بازار را به هم می‌ریزند. هایک معتقد است که نظم خودانگیخته پیش‌بینی‌ناپذیر است. در این نظم، لاجرم و از حیث منطقی، عده‌ای می‌برند و عده‌ای می‌بازند. ناشایستگان ممکن است ببرند، شایستگان ممکن است ببازند...». البته تصور نکنید هایک این ایده‌ها را برای کشورهای توسعه‌یافته‌ای همچون انگلیس و آمریکا گفته است. دست بر قضا این ایده‌ها بیش از هر جای دنیا برای کشورهای جهان سوم صادر شده است که آنان را ناچار به ورود به بازارهای جهانی کنند و تصور نکنید که هایک نمی‌دانسته در کشورهای درحال‌توسعه این ناشایستگان هستند که همواره برنده خواهند شد و بازندگان اصلی مردم خواهند بود. او با علم بر این موضوع بر جبر بازار تأکید کرده است، جبری که مردم ایران بر اساس تجربه تاریخی به آن پی برده‌اند؛ اینکه طرف بازنده در ایده‌های اقتصادی مبتنی بر اقتصاد بازار آزاد آنان هستند و نه کسی دیگر، و طرف برنده رانت‌خواران‌اند. این چیزی نیست که از پیش برای آنان عیان نباشد. با وجود این در اینجا نقش دولت بیش از هر چیز جای تأمل دارد. دولت‌ها در ایران عملا چپ‌ستیزند و در ظاهر راست‌گریز.

* برای نوشتن این یادداشت از کتاب «بنیادگرایی بازار»، یوسف اباذری، انتشارات دانشگاه تهران و کتاب «راه سوم، بازسازی سوسیال‌دموکراسی» آنتونی گیدنز، ترجمه منوچهر صبوری‌کاشانی، نشر شیرازه استفاده کردم.

مناقصه عمومی یک مرحله ای فراخوان خرید تعداد ۸۰۰ دستگاه چاپگر نوبت دوم

دفترمرکزی

کمیته امداد امام خمینی(ره) ستاد مرکزی در نظر دارد فراخوان خرید تعداد ۸۰۰ دستگاه چاپگر به شماره ۲۰۰۱۰۰۵۰۰۳۰۰۰۰۰۸را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید.

کلیه مراحل برگزاری فراخوان از دریافت و تحویل اسناد فراخوان تا بازگشایی پاکت ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد.

متقاضیان شرکت در فراخوان در صورت عدم عضویت در سامانه، نسبت به ثبت نام و دریافت گواهی امضای الکترونیکی (به صورت برخط) برای کلیه صاحبان امضای مجاز و مهر سازمانی اقدام لازم را به عمل آورند.

مواعدزمانی:

-دریافت اسناد مناقصه از سامانه از ساعت ۰۸:۰۰ صبح روز چهار شنبه مورخ ۱۴۰۱/۰۳/۰۴ لغایت ۱۴۰۱/۰۳/۰۹ می باشد .

-مهلت ارسال پاکات های پیشنهاد مورخ ۱۴۰۱/۰۳/۱۰ لغایت مورخ ۱۴۰۱/۰۳/۲۴ساعت ۱۴:۰۰ و به صورت بارگزاری در سامانه تدارکات می باشد.

نوع ضمانتنامه : ۱- واریز نقدی به حساب شماره ۰۱۰۲۵۱۰۲۵۱۰۰۳ بانک ملی شعبه کمیته امداد امام خمینی (ره) به نام حساب اعتبارات کل اختصاصی کمیته امداد امام خمینی (ره)

۲-ضمانت نامه بانکی به نفع کارفرما (کمیته امداد امام خمینی (ره)) با اعتبار ۳ ماهه بابت تضمین شرکت در مناقصه .

مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: مبلغ تضمین شرکت در مناقصه ۴/۷۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال می باشد.که می بایست علاوه بر بارگزاری در سامانه تدارکات الکترونیک دولت اصل آن را نیز تحویل مناقصه گزار گردد.

اطلاعات تماس و آدرس دستگاه : تهران- میدان آزادی- ابتدای جاده شهید لشکری- بعد از مجتمع شهید فکوری- ستاد مرکزی کمیته امداد امام خمینی (ره) - طبقه ۷- اطاق ۷۶۴- اداره بازرگانی و امور قرارداد ها-تلفن های ۲۳۹۰۲۰۷۲

شناسه‌آگهی ۱۳۲۳۲۲۱ م الف ۷۳۵

دفتر مرکزی کمیته امداد امام خمینی (ره)

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمان های فاقد سند رسمی

برابررای شماره ۱۱۹۰۳ تاریخ ۱۴۰۰/۱۱/۱۳ هیات قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بهشهر تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی اقای میثم نصیری خلیلی فرزند رمضان در ششدانگ یک قطعه زمین به مساحت ۳۷۱/۲۴ متر مربع قسمتی از پلاک ۱۶۰۰ فرعی از ۴۹ اصلی به شماره کلاسه ۴۰۰/۲۶۷ واقع در اراضی خلیل شهر بخش ۱۷ ثبت بهشهر محرز گردیده است . لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله۱۴ آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند. میتواند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خودرا به این اداره تسلیم وپس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضا مدت مذکور وعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م الف ۱۳۱۷۰۰۵

تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۱/۳/۰۷
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۱/۳/۲۱

محمد مهدی قلیان
رئیس اداره ثبت اسناد واملاک بهشهر

سازمان آگهی‌های روزنامه شرق
۸۶۰۳۶۱۱۹
WWW.SHARGHDAILY.IR

برگ سبز، سند کارخانه و کارت **خودروی وانت پیکان ۱۶۰۰** مدل ۱۳۸۷ به رنگ سفید شیری - روغنی به شماره پلاک ۹۸ د ۹۵۸ ایران ۶۵ شماره موتور ۱۱۴۸۷۰۱۸۱۶۹ و شماره شاسی NAAA46AA18G016051 بنام **آقای محمد جهان شاهی افشار** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.